

بررسی تفسیری زمینه‌سازان ظهور در آیات آغازین سوره اسراء

ولی‌الله نقی پورفر*
صدیقه پروان**

چکیده

قرآن کریم در آیات ۸ - ۴ اسراء برای بنی‌اسرائیل دو فساد و دو وعده عقاب را با تأکیدهای مکرر بیان می‌کند. کیستی مصداق این آیات در تفاسیر محل اختلاف است؛ برخی از مفسران وقایع مطرح‌شده در آیه را مربوط به گذشته می‌دانند. این پژوهش بر آن است تا ضمن ارائه مستندهای قرآنی در رد این نظریه، با تفسیر قرآن به قرآن و توجه به قرائن و سیاق آیات و با مصداق‌یابی صحیح و استخراج چهار ویژگی از آیات و تطبیق آنها بر مصداق مطرح‌شده در تفاسیر، به بررسی احتمال وقوع فساد یهود و سرکوبی آن در آخرالزمان بپردازد و این فساد مطرح‌شده در آیات را مربوط به فساد جهانی اسرائیل و در ارتباط با وقایع ظهور بداند. برخی از مفسران عبارت «عِبَاداً لَنَا» را با توجه به «وَلِيْتَبِرُوا مَا عَلَوْا تُثِيرًا» و «أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ»، بندگان خونریز و کافر گرفته‌اند، در صورتی که با بررسی قرآنی و با توجه به سیاق، مصداق «عِبَاداً لَنَا»، بندگان مؤمن و مخلص هستند که زمینه‌سازان ظهور و یاوران امام زمان ع می‌باشند.

واژگان کلیدی

تفسیر کلامی، آخرالزمان، عصر ظهور، فساد یهود، اسرائیل.

v_naghipoor@qom.ac.ir
parvansd@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول).
**. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۶

طرح مسئله

قرآن کریم در سوره اسراء می‌فرماید:

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالِهِمْ وَبَيْنَ وَجْهَيْكُمْ وَأَكْثَرَ نَفِيرًا * إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا * عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُمْ عُدتُمْ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا. (اسراء / ۸ - ۴)

این آیات دو فساد قطعی را برای بنی‌اسرائیل بیان می‌کند. قرآن کریم شش قوم را به‌عنوان فسادکننده معرفی نموده است: ۱. قوم یاجوج و ماجوج؛ ۲. قوم ثمود؛ ۳. قوم لوط؛ ۴. قوم شعیب؛ ۵. قوم فرعون؛ ۶. قوم بنی‌اسرائیل؛ که پنج مورد اول به شدت عقوبت و هلاک شده‌اند؛ بر این پایه و با توجه به تأکیدهای مکرر آیات، فساد قوم بنی‌اسرائیل صرفاً یک پیشگویی (شریف، ۱۳۹۵: ش ۲) و بیان گزارش تاریخی نیست بلکه تهدیدی به این مضمون به همراه دارد که در برابر فساد یهود قطعاً آنان را عقاب می‌کنیم. (جوادی‌آملی، سایت اسراء) و به استناد آیه ۵ سوره اسراء نابودی آنها وعده‌ای است تحقق یافته.

درباره مصادیق «فساد» و «عباد» اختلاف‌نظرهای زیادی وجود دارد؛ زیرا روش دقیق تحلیل قرآنی در تفسیر بعضی آیات رعایت نشده در نتیجه در مصداق‌یابی و تطبیق پیام آیات نیز خطا صورت گرفته است. برخی از مفسران، زمان وقوع دو فساد یهود را به قبل از ظهور اسلام منتسب می‌کنند و برخی دیگر دو حادثه را مربوط به بعد از ظهور اسلام می‌دانند. تفاسیر گروه نخست، بیشتر به گزارش‌های تاریخی عنایت داشته و نظر تفاسیر قبل از خود را تکرار کرده‌اند. در نظر مفسران گروه دوم نیز اختلاف‌هایی دیده می‌شود، بعضی وقوع فساد یهود را به جنگ‌های یهود در صدر اسلام یا جنگ‌های پراکنده یهود در طول تاریخ تطبیق می‌دهند و برخی دیگر این آیات را مربوط به فساد و سرکشی و طغیان فعلی یهود صهیونیست دانسته و سرکوبی آن را توسط بندگان مومن و یاران حضرت ولی عصر علیه السلام تفسیر کرده‌اند. در همین راستا به بررسی پیشینه مباحث مطرح شده در این باره پرداخته می‌شود.

پیشینه

در این زمینه تاکنون کتاب مستقلی تألیف نگردیده است. نگارش‌های قابل اشاره در این موضوع عبارتند از:

۱. نظر ابراهیم انصاری زنجانی در مجله **مکتب اسلام** (۱۳۵۰) در مقاله «پیشگویی قرآن از شکست نهایی اسرائیل» به نقل از بعضی از مفسران این است که بعضی احتمال داده‌اند، منظور از سرکوب اول، قیام ممالک اسلامی علیه تشکیل دولت اسرائیل و پس گرفتن قسمتی از فلسطین؛ و وعده دوم همان چیزی است که همهٔ مسلمین جهان در انتظار آند.
 ۲. علی کورانی در بخش‌هایی محدود از کتاب **عصر ظهور** (۱۳۶۹) معتقد است وعده اول در صدر اسلام واقع شده و وعدهٔ دوم در زمان ظهور محقق می‌شود.
 ۳. ولی‌الله نقی‌پورفر در کتاب **بررسی شخصیت «اهل بیت در قرآن» به روش قرآن به قرآن** (۱۳۷۷) به اجمال به آن پرداخته است.
 ۴. محمدهادی همایون در کتاب **«تاریخ تمدن و ملک مهدوی»** (۱۳۹۰) مبنای رأی خود را روایت امام صادق علیه السلام می‌داند.
 ۵. محمد هدایتی در فصلنامه **مطالعات تفسیری** (۱۳۹۲)، در مقاله «مهدویت در تفسیر آیات اسراء»: با استناد به روایات مرتبط با این آیات تشابه تاریخ بنی‌اسرائیل با وقایع امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نتیجه گرفته و پیوند آیات مزبور با مهدویت را از باب تأویل می‌داند نه تفسیر.
 ۶. علیرضا شریف در مجله **مطالعات مسجد و مهدویت** (۱۳۹۵) در مقاله «وعده قرآنی نابودی صهیونیسم در آخرالزمان» احتمال عدم وقوع وعدهٔ دوم را قوی‌تر دانسته و آن را مربوط به وقایع آخرالزمان می‌داند.
 ۷. امیراهوارکی^۱ در مقاله **«دو عقوبت یهود در سوره اسراء»** می‌نویسد: از نظر تفسیری وقایع مذکور در قوم یهود با حمله بخت‌النصر و تیتوس به وقوع پیوسته است اما «تأویل» این آیات قرآن در آخرالزمان با ظهور حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام و یاران او خواهد آمد.
- چنانچه، این نویسندگان وقایع ذکرشده را مربوط به وقایع ظهور دانسته باشند از باب تأویل و تطبیق بوده یا اینکه تنها وعده نهایی را مرتبط با قیام امام زمان علیه السلام می‌دانند. اکثر تفاسیر و مقاله‌ها در این باب، به اختلاف‌نظرهای دیگران پاسخ نداده و در بیشتر موارد روش قرآنی برای اثبات آن نییموده‌اند. این مقاله، تفصیل ادامه نظر ولی‌الله نقی‌پور فر در کتاب ایشان است که با ارائه مستندها و با تحلیل دقیق قرآنی و تفسیر قرآن به قرآن و توجه به قرائن و سیاق آیات، در پی پاسخگویی به نظرات دیگر محققان است و ارتباط این آیات را با ظهور و مهدویت از باب تفسیر بررسی می‌نماید نه تأویل.

۱. سایت jscenter (بازدید ۱۳۹۷/۱/۲۰)

با نگاهی اجمالی به آیات ۸ - ۴ سوره اسراء دانسته می‌شود که چهار پیشگویی در این آیات مطرح شده است: در این آیات خداوند با قطعیت عجیبی که مشابه قرآنی ندارد سخن می‌گوید. «لَتَفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» به دو پیشگویی درباره فتنه یهود، و «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا» و «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءَ وُجُوهَكُمْ» به دو پیشگویی در رابطه با سرکوب فتنه یهود اشاره می‌کند. تأکید بیان شده در آیات نشان‌دهنده آن است که توجه ویژه‌ای به مفاد آن باید داشت. مفسران در تفسیر آیات به روش‌های گوناگون عمل کرده و بالطبع، در نتیجه، تعیین مصداق و تطبیق پیام آیات نیز دچار اختلاف شده‌اند. بر همین پایه پژوهش حاضر در نقد و بررسی نظر مفسران به سراغ آیات قرآن رفته و با توجه به سیاق و قرائن و واژگان و عبارتهای مورد تأکید، دیدگاه‌های مختلف را بررسی می‌نماید.

واژه‌شناسی «الْقَضَاءِ»

«الْقَضَاءِ» در لغت به معنای: حکم کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵ / ۱۸۵؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۴۶۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۶۱) امر نمودن به کاری و فیصله دادن آن، چه با سخن و چه با عمل است و در این آیه امر نمودن با اعلام و فصل در حکم است، یعنی به ایشان اعلام نمودیم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷۴) ما اعلام کردیم و حکم را فیصله یافته کردیم و به ایشان به وسیله وحی چنین اعلام نمودیم؛ امر را به وی حکم کردیم و خبری قاطع اعلام نمودیم. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۵۰) از نظر جوادی آملی این قضا با توجه به سیاق به معنای حُکم نیست بلکه به معنای اعلام است. (جوادی آملی، سایت اسراء) از جمع نظرات در معاجم و تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت: «قضاء» اعلام خبری را با قطعیت می‌رساند و همچنین با بررسی متعلق آن در تفاسیر، مشاهده می‌شود این واژه به فصل الخطاب بودن آیات در فساد یهود و وعده نکال و عقاب اشاره می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۵۰) و بیانگر این است که خداوند تأکیدهای مکرر موجود در آیه را با قطعیت اعلام می‌نماید که در وقوع آن شک و تردیدی نیست. این تأکیدها عبارتند از: «لَ» و «نون تأکید ثقیله» در «لَتَفْسِدُنَّ» و «لَتَعْلُنَّ»، «عُلُوءًا» و «كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا» و همچنین بیان - دوبار فساد - در واژه «مَرَّتَيْنِ» به این نکته اشاره دارد که یهود فقط دوبار آن فساد تأکید شده را انجام می‌دهد، نه بیشتر. از این رو می‌توان آن را جزو تأکیدهای آیه به‌شمار آورد.

بررسی دو فتنه مطرح شده در آیه «لَتَفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوءًا كَبِيرًا»

در آیات فوق، سخن از فساد اول و دوم یهود که منجر به برتری‌جویی آنان می‌گردد به میان آمده است،

که به دنبال هر یک از این دو، خداوند مردانی نیرومند و پیکارجو را بر آنها مسلط ساخته تا آنها را مجازات کنند. از آنجایی که مصادیق فسادهای بنی‌اسرائیل در تاریخ بیش از دو مورد است، تفاسیر در معرفی دو فساد این قوم، دچار مشکلی جدی شده‌اند. (همایون، ۱۳۹۰: ۲۱) عده‌ای از مفسران معتقدند فسادهای نامبرده بنی‌اسرائیل در آیات مذکور در قبل از اسلام انجام شده است. بیشتر طرفداران این نظر، با توجه به وقایع تاریخی، به تفسیر آیات پرداخته‌اند. گروهی دیگر از مفسران به بروز دو فساد بعد از ظهور اسلام معتقدند. در اینجا نظرهای هر دو گروه از مفسران ارائه می‌شود.

نظریات ارائه شده درباره فساد اول و دوم در تفاسیر

۱. فساد نخست قتل حضرت زکریا علیه السلام و فساد دوم قتل حضرت یحیی علیه السلام است. این قول از ابن عباس، ابن مسعود و ابن زید نقل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۶۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۲۳؛ جنابزی، ۱۴۰۸: ۲ / ۴۳۳. روایت حذیفه بن یمان به فساد اول (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۷) و عطیه کوفی به همین نظر درباره فساد دوم تصریح می‌کند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۶۳)
۲. فساد نخست قتل شعیاء بن امصیا یکی از انبیاء بنی‌اسرائیل و فساد دوم قتل حضرت یحیی علیه السلام است و حضرت زکریا به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۲۱)
۳. فساد نخست مخالفت با احکام تورات و قتل شعیاء و قتل ارمیاء است (همان) و فساد دوم قتل حضرت زکریا علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام و قصد قتل حضرت عیسی علیه السلام است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۲۴۸)
۴. فساد نخست قتل حضرت زکریا علیه السلام و حبس و جرح ارمیاء است و فساد دوم قتل حضرت یحیی علیه السلام و قصد قتل حضرت عیسی علیه السلام است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۴۹)
۵. فساد نخست تغییر تورات و بی‌اعتنایی به آن و حبس و جرح ارمیاء است و فساد دوم قتل حضرت زکریا علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام است. (آلوسی درباره این نظر می‌گوید: «و اختار بعضهم و قیل انه الحق»). (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸ / ۱۷)
۶. فساد نخست سرکشی و فساد یهود در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فساد دوم قیام نازی‌ها به رهبری هیتلر در جنگ دوم جهانی است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۲۲۱۴) نظری دیگر معتقد است فساد فعلی یهود فساد دوم است. (کورانی، ۱۳۶۹: ۴۶۴)
۷. در مجله مکتب اسلام، به نقل از بعضی از مفسران (بدون ذکر نام) آمده است: فساد نخست بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل حزبی به نام «صهیونیسم»، اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ م و تشکیل دولتی به نام «اسرائیل» است و فساد دوم هجوم اسرائیل با کمک نیروهای استعماری و

اشغال دوباره فلسطین و بازپس گرفتن بیت المقدس است. (انصاری زنجانی، ۱۳۵۰: ۴۷)

۸. فساد نخستین یهود تشکیل دولت اسرائیل است که این فساد همچنان در حال گسترش است.

(صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۳۹)

در بین مفسران گروهی به سرکوبی دوفتنه قبل از ظهور اسلام قائل هستند و گروهی به سرکوبی

دوفتنه پس از ظهور اسلام؛ که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

وقوع سرکوبی دوفتنه قبل از ظهور اسلام

دوباره وقوع وعدالاولی و وعدالآخره (سرکوبی فساد اول و آخر) در قبل از اسلام چند قول وجود دارد

که از این میان دو مورد پرتکرارتر از بقیه موارد در تفاسیر به چشم می‌خورد:

۱. در فساد اول، بخت النصر (۷۵۰ ق. م) (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۲۳؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۴ / ۹۴؛

رازی، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۱۶۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۴۵؛ جوادی آملی، سایت اسراء؛ کورانی، ۱۳۶۹: ۴۶۴) و

در فساد دوم، اسپانوس پادشاه روم، طرطوز را می‌فرستد، (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸ / ۲۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷:

۲ / ۶۵۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۴۴) یا سسیانوس با پسرش طیطوس (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۴ / ۳۱)

به سرکوبی بنی اسرائیل می‌پردازد. طبری در *جامع البیان* روایتی از رسول خدا ﷺ و به واسطه

حذیفه بن یمان ذکر می‌کند که قدیمی‌ترین منبع بیان این احتمال به شمار می‌آید. این مفسر بر اساس

این روایت، قتل زکریا علیه السلام توسط بنی اسرائیل را منطبق بر فساد اول و قتل یحیی بن زکریا علیه السلام را منطبق

بر فساد دوم بنی اسرائیل معرفی می‌کند و سرکوبی بنی اسرائیل توسط بخت النصر را مصداق سرکوبی

اول و سرکوبی توسط ابیطیانحوس را مصداق سرکوبی دوم ذکر می‌نماید. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۷)

در میان روایات بیان‌کننده این موضوع، غیر از این روایت بقیه روایات به صحابه می‌رسد که از

نظر شیعه فاقد اعتبار است. طبری این روایت را در تفسیر خود با سند کامل آورده است، (طبری،

۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۷) و پس از او قرطبی و سیوطی از وی نقل کرده‌اند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱ / ۲۱۴؛

سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۶۳) البته هم راوی این حدیث مورد وثوق نیست و هم انطباق تاریخ «زکریا» و

«یحیی» بر تاریخ «بخت النصر» و «اسپانوس یا انطیاخوس» محرز نمی‌باشد، بلکه بنا به گفته بعضی

بخت النصر معاصر «ارمیا» یا «دانیال» پیامبر بوده، [[کتاب مقدس، کتاب ارمیای نبی، ۲۹: ۱]] و قیام

او حدود ششصد سال پیش از زمان یحیی صورت گرفته بنابراین چگونه بخت النصر می‌تواند برای

انتقام خون یحیی قیام کرده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۲۹) از این رو جمیع مستندات روایی

این فرضیه بی‌اعتبار است.

در ردّ احتمال فساد و سرکوبی در زمان بخت النصر (۷۵۰ ق. م) به این دلایل اشاره می‌شود:
یک. عدم تطبیق زمانی میان یحیی ع و بُخت‌النصر به وضوح مشهود است. دو. ضعف سند روایت مذکور. سه) در آیه «وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ» (اسراء / ۷) سخن از دو بار ورود یک قوم به بیت‌المقدس به میان آمده است، اما تاکنون هیچ فسادی که در پی آن یک گروه دو بار وارد بیت‌المقدس شده باشد، گزارش نشده است از ظاهر آیه به سادگی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که: قومی که در نوبت دوم وارد مسجد می‌شوند، همانانی هستند که در نوبت نخست نیز مسجد را فتح کرده بودند. این در حالی است که میان بابلیان، رومیان و ... تفاوت بسیار است و نمی‌توان آنان را یک قوم به حساب آورد. (همایون، ۱۳۹۰: ۲۲) افزون بر این دوبار تجاوز به بیت المقدس از سوی بخت‌النصر در تاریخ گزارش نشده است که بتوان سرکوب کننده دو فساد را یک گروه به حساب آورد.

وقوع سرکوبی دو فتنه بعد از ظهور اسلام

همانگونه که ملاحظه گردید احتمال وقوع فتنه یهود و سرکوبی آن در دوران قبل از ظهور اسلام منتفی است؛ که بعد از استخراج ویژگی‌های آیه، قطعیت این نظر بیشتر به اثبات خواهد رسید؛ بعضی از مفسران درباره جزئیات سرکوبی دو فتنه بعد از ظهور اسلام نظرات گوناگونی دارند.

یک. وعدالاولی (سرکوب‌کنندگان فساد اول)

۱. سرکوبی نخست در صدر اسلام و به دست مسلمین. (کوران، ۱۳۶۹: ۴۶۳؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۲۲۱۴)

۲. بیرون راندن اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی توسط مسلمانان. (انصاری زنجانی، ۱۳۵۰: ۴۷)

۳. بعد از شروع فتنه نخست و تشکیل دولت اسرائیل این فتنه همچنان در حال گسترش است و هنوز سرکوب نشده است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۷ / ۳۹)

دو. وعدالآخره (سرکوب‌کنندگان فساد دوم)

۱. قیام نازی‌های «آلمان» به ریاست «هیتلر» بر ضد یهود. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۲۲۱۴)

۲. سرکوبی هنوز محقق نشده است. عده‌ای به صورت تلویحی و برخی به صراحت، این آیات را

مربوط به مقدمات ظهور و قیام امام زمان ع می‌دانند:

الف) مکارم شیرازی و قرائتی به تلویح به این موضوع اشاره می‌کنند؛ آن‌گونه که از ظاهر آیه

۵ و ۶ برمی آید، چنین فساد گسترده‌ای در زمین از طرف بنی اسرائیل و چنین قلع و قمع مهمی توسط مردان خدا هنوز انجام نشده است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۷ / ۲۳) و در هیچ یک از نظرات داخل شدن قوم پیروزمند در «بیت المقدس»، تا چه رسد به ویران کردن آن، وجود ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۳۰)

ب) بعضی منابع به صراحت این موضوع را بیان می‌کنند؛

- **تفسیر الفرقان:** فساد اولی، در تاریخ بنی اسرائیل تشکیل دولتی در قلب فلسطین با همکاری کشورهای شرق و غرب و مساعدت اعراب است که این غصب همچنان ادامه دارد، که اخیراً نیز قدس را پایتخت اسرائیل اعلام کرده‌اند. این فساد جهانی که یهود از فلسطین شروع کرد، به مناطق دیگر جهان نیز در حال گسترش است. چنین می‌توان گفت که بعث عبادا لنا در مره اولی بر ما تصدیق می‌کند و ما اصل عبادا لنا هستیم و یکی از اذنان اسرائیل (شاه) را قطع کردیم و به دنبال قطع صاحب اذنان (اسرائیل) هستیم. اسرائیل با تمام اذنان و افراد خود فساد می‌کند. پس باید انبعاث در «عبادا لنا» از ما بجوشد. هر دو انبعاث برای شکست صهیونیست است و انبعاث در وعدالآخره، زمانی اتفاق می‌افتد که فساد با سلطه صهیونیست و اذناش جهانی شود. این سلطه توسط عبادا لنا - امام مهدی عج و یارانش که داخل مسجد می‌شوند - نابود و دولت اسلامی جهانی تا قیامت استقرار می‌یابد. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۷ / ۴۵ - ۳۴۵)

- **مجله مکتب اسلام:** منظور از سرکوب اول این است که ممالک اسلامی در آغاز که از این توطئه آگاه شدند، توانستند بیت المقدس و قسمتی از فلسطین را پس گرفته و نفوذ یهود از مسجدالاقصی را به کلی قطع کنند. بعد از فساد دوم و پس گرفتن بیت المقدس توسط اسرائیل، مسلمانان باید در انتظار پیروزی دوم بر بنی اسرائیل باشند، این همان چیزی است که همه مسلمین جهان در انتظار آند. (انصاری زنجانی، ۱۳۵۰: ۴۷)

د) صاحب کتاب **عصر ظهور** می‌نویسد: با توجه به «قرینه فجاسوا خلال الدیار» جستجوی خانه به خانه یهودیان پراکنده در کل دنیا توسط عده‌ای خاص چگونه امکان پذیر است؟ این عده خاص (عبادا لنا) چگونه قبل از تشکیل کشور متمرکز اسرائیل می‌توانستند یهودیان را در کشوری سرکوب کرده و در ادامه برای سرکوبی و جستجوی خانه به خانه یهودیان در کشوری دیگر اقدام کنند. از این رو اکنون در درون فتنه آخر هستیم. (کورانی، ۱۳۶۹: ۴۶۳) در این قسمت صرفاً به نقل نظرها اکتفا گردیده و بعد از استخراج ویژگی‌های دوفتنه در آیه، صحت یا عدم صحت این نظرها مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

تعیین ویژگی‌های دو فتنه

با توجه به بررسی‌های پیش‌گفته مبنی بر احتمال فساد و سرکوبی در قبل و بعد از ظهور اسلام و مطالعه تفاسیر، روشن شد که، تفسیر دقیق قرآن به قرآن درباره برخی واژگان و عبارت‌های آیات انجام نشده است. در نتیجه در تطبیق پیام آن اختلاف صورت گرفته است. از این‌رو، باید ویژگی‌های مطرح‌شده در آیه (خصوصیت دو فتنه یهود و سرکوب‌کنندگان آن - مرکز فتنه - وسعت فساد) را از آیات استخراج کرده و بر مصادیق تطبیق داد و در صورتی که مصادیق دارای این ویژگی‌ها باشد می‌توان آن را پذیرفت. برای این منظور، توجه به مفهوم واژگان و سیاق آیات ضروری است؛ تفسیر صحیح و قرآنی «لتفسدن، فی الارض، مرتین، عبادنا، اولی باس شدید ولیتبروا ماعلوا...» مشخص می‌کند که آیا این وقایع در گذشته رخ داده‌اند یا مربوط به آینده‌اند.

ویژگی یک: فتنه‌گر بودن یهود

منظور از «بنی اسرائیل» در آیه «قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ»، باتوجه به واژه «مسجد» و سیاق آیه و اشاره به «مسجد الاقصی» که در آیه یکم سوره اسراء بیان شده، قوم یهود بوده که در محدوده فلسطین و بیت‌المقدس ساکن هستند. خداوند یهود را مخاطب قرار داده: که شما قطعاً دوبار در زمین فساد می‌کنید و قطعاً نیز عقاب خواهید شد. بدین ترتیب فسادگر و سرکوب شونده یهود، و مورد خطاب آیه است.

برخی، آیات مذکور را به امت پیامبر اسلام ﷺ منطبق دانسته و برای اثبات این مدعا به روایاتی استناد می‌کنند. به عقیده احمد الحسن بصری، اسرائیل به معنای عبدالله (بنده خدا) است و حضرت یعقوب علیه السلام نیز نزد یهود، اسرائیل و عبدالله بوده و فرزندان او بنی اسرائیل نام دارند. پس در واقع اسرائیل به معنای «عبدالله» و شامل حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز می‌باشد و بنی اسرائیل، یعنی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین شیعیان آنها و به طور عام شامل همه مسلمانان می‌گردد. (احمد الحسن، ۱۴۳۱: ۱ / ۱۰۴) وی در این گفتار به روایتی در تفسیر عیاشی استناد می‌کند که از امام صادق علیه السلام در مورد عبارت «بنی اسرائیل» سؤال شد، فرمود: «آنان ما هستیم» به طور اخص و در عبارت‌های دیگر آمده است: «به طور اخص مربوط به آل محمد صلی الله علیه و آله است». (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۴۴)

باید توجه داشت که: اسرائیل واژه‌ای عبری از ترکیب «اسرا» و «ایل» است، که «اسرا» به معنای عبد و «ایل» به معنای خدا می‌باشد و در مجموع به معنای «بنده خدا» است؛ لذا معادل

«عبدالله» در زبان عربی است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱ / ۸۴) در عهد عتیق، اسرائیل لقب حضرت یعقوب است؛ لذا به فرزندان ایشان بنی اسرائیل می‌گویند. البته برخی نیز آن را به معنای «غلبه‌کننده بر خدا» یا «کشتی گرفته با خدا» دانسته‌اند که از داستان کشتی گرفتن یعقوب علیه السلام با خدا، یا فرشته‌ای از جانب خدا در عهد عتیق گرفته شده است که بعد از این مبارزه نام یعقوب به اسرائیل تغییر می‌کند. (عهد قدیم، آفرینش، ۲۴: ۳۲)

با عنایت به توضیحات فوق، از نظر ویژگی‌های بندگی، پیامبر اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام «عبدالله» واقعی هستند؛ اما به خاطر اینکه واژه «اسرائیل» علم خاص شده است، اطلاق آن به پیامبر اسلام و معصومین صحیح نیست. افزون بر این صدر آیه به دو نوبت فساد بنی اسرائیل و وعده عقاب آنان از سوی خداوند اشاره می‌کند که تطبیق آن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نادرست است؛ زیرا نمی‌توان در بررسی چند آیه مرتبط با هم، بدون در نظر گرفتن صدر آیات، ذیل آن را بدون ضابطه تطبیق داد.

بدین ترتیب ویژگی اول استخراج شده از آیه بیانگر معرفی یهود به عنوان فتنه‌گر است.

ویژگی دوم: سعه فساد

به منظور تعیین محدوده وسعت فساد یهود در آیه «لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ»، عبارت‌های «لَتُفْسِدَنَّ»، «فِي الْأَرْضِ» و «مَرَّتَيْنِ» را بررسی می‌نماییم.

۱. لَتُفْسِدَنَّ

در آیه ۴ اسراء خداوند یهود را مخاطب قرار داده و همراه با قسم شدید تأکید می‌کند که شما قطعاً دوبار در زمین فساد و سرکشی بزرگی می‌کنید. فساد به دو شکل می‌تواند انجام شود: در قتل و اضلال انفس و در آبادانی از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اخلاقی. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۷ / ۳۴) به دو دلیل می‌توان گفت منظور از این فساد، کذب و سرقت و تجاوز به اموال خصوصی و ... نیست بلکه بخش مهم از این فساد همان فساد سیاسی و حکومت و ویران کردن ملت است. دلیل اول از لحاظ ادبی است که از «نون» تأکید ثقیله همراه با وصف، و مفعول مطلق نوعی معلوم می‌شود، منظور از علو کبیر، فساد سیاسی و حکومت باطل و امثال ذلک است و همچنین در ماجرای فرعون قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ» (یونس / ۸۳) که این استعلا بنی اسرائیل و استکبار بیان شده در آیه ۴ اسراء از سنخ [علو] و فساد فرعون است لذا فساد را با استکبار و استعلا همراه کرده و فرمود: «وَلَتَعْلَنَّ عَلُوًّا كَبِيرًا». (جوادی آملی، سایت اسراء)

۲. مرتین

«مرتین» یکی از تأکیدهایی است که برای انجام فساد یهود در آیه آمده است. «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» تفریعی است بر جمله: «لتفسدن...» و ضمیر تشبیه «هما» به «مرتین» برمی‌گردد و معنای آن این است که دو بار فساد می‌کنید و بنابراین معنای «اولیهما» فساد اولی است و مراد از «وعدااولی» وعده اول از آن نکال و نعمتی است که خدا در برابر فسادشان داده، و همین خود دلیل است بر اینکه خداوند در برابر دو نوبت فساد آنان دو وعده داده است، یعنی: در زمین دو نوبت فساد می‌کنید و ما وعده‌تان داده‌ایم که در هر نوبت انتقام بگیریم. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۵۱)

بنی‌اسرائیل در طول تاریخ پیوسته دو کار انجام می‌دهند: افروختن آتش جنگ‌ها و سعی در فساد در زمین. (مانده، ۶۴) با این وجود تأکید قرآن بر «مرتین» (فقط دوبار فساد از سوی بنی‌اسرائیل) سؤال برانگیز است که توضیح آن خواهد آمد.

۳. فی الارض

بعضی معتقدند منظور از ارض، سرزمین فلسطین و اطراف آن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۵۰)

جوادی آملی با در نظر گرفتن دو واقعه تاریخی مربوط به بنی‌اسرائیل در زمان بخت‌النصر و رومیان این‌گونه بیان می‌کند که: آن زمان دو قدرت بزرگ [امپراطوری ایران و روم]، در خاورمیانه بیشتر وجود نداشت و بنی‌اسرائیل آن توان را نداشت که کل خاورمیانه را به فساد بکشد، پس منظور از ارض همان محدوده خاص خودشان است. (جوادی آملی، سایت اسراء) به منظور تشخیص وسعت فساد، توجه به تأکیدات مطرح شده در آیه ضروری است.

همانگونه که ذکر شد در این آیات تأکیدهایی مکرری بیان شده است. در بحث بلاغت، تأکیدهایی قرآنی تعجب را رسانده و بر این تأکید می‌کند که شنونده انجام فساد بزرگی توسط یهود را باور کند؛ یعنی قطعاً فساد بزرگ و غیر قابل باور اتفاق می‌افتد. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا منظور از عجیب بودن فساد در زمین، کیفیت جرم است یا کمیت آن؟ تأکید و تعجیبی که در اینجا آمده است ناظر به کمیت و سعه جرم است نه کیفیت آن؛ زیرا از نظر کیفیت، توسط بنی‌اسرائیل بالاترین جرم (پیامبرکشی) در منطقه خاورمیانه بارها رخ داده است و قرآن بدون تأکید آن را بیان نموده (بقره / ۶۱) و یهودیان خود نیز بر این‌گونه فسادها در منطقه اذعان داشته‌اند. پس تعجب بیان شده در آیه بیانگر این است که: ۱. فساد مطرح شده باید دارای ویژگی منحصربه‌فردی باشد که از دیگر فسادهای یهود متمایز گردد. ۲. این دو فساد باید به وسعت جرم ناظر باشد، که از منطقه فراتر می‌رود و منظور «کل الارض» است.

از طرفی واژه «فی الارض» ۱۷۳ بار در قرآن به کار رفته است که در هیچ یک، منظور قسمتی از زمین نیست. از این رو فتنه‌ای با وسعت جهانی فقط دوبار انجام می‌شود. (شریف، ۱۳۹۵: ۲) افزون بر این در عصر حاضر عملکرد یهود بعد از اشغال فلسطین و تشکیل حکومتی به نام اسرائیل و جنایات و نفوذ نرم صهیونیست‌ها در منطقه خاورمیانه و تفرقه‌افکنی میان اعراب به منظور سلطه بیشتر و تمایل آنها به سیطره بر کل دنیا به گونه‌ای است که می‌توان گفت، منظور از فساد «فی الارض» در این آیه، فساد فراگیر جهانی است که اگر منظور تمام دنیا نباشد، حداقل شامل گستره بسیار وسیعی از آن می‌شود.

ویژگی سوم: مرکزیت فتنه

منظور از «مسجد» در آیه «... لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ...» به قرینه صدر سوره اسراء مسجدالاقصی است و مرکز فتنه در هر دوبار بیت المقدس است. این فساد و نیز سرکوبی آن محدود به مسجدالاقصی یا بیت المقدس نمی‌شود بلکه سرزمین فلسطین را در برمی‌گیرد؛ چرا که با عنایت به آیه «فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ»، سرکوب‌کنندگان کل سرزمین را و جب به جب جستجو می‌کنند، لذا صحبت از جستجو در مسجد نیست بلکه مسجدالاقصی در مرکزیت فتنه قرار دارد و یهود این مکان مقدس را به عنوان مقر فرماندهی خود قرار می‌دهند.

ویژگی چهارم: خصوصیت «عباد» (سرکوب‌کنندگان دو فتنه)

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که باید از آیه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ... لِيُتَبَرَّوْا مَا عَلَوْا تَتَّبِعُوا» استخراج شود خصوصیت عباد است. «عَبْدٌ» در لغت به معنای: بنده پرستش‌کننده خداست، ۱. عبد و بنده‌ای که با ایجاد و آفریده شدنش بنده خداست، بنابراین تمام مردم - عبادالله هستند، ولی بعضی بدون اختیار و قهرا و بعضی دیگر با اختیار؛ ۲. دیگر اینکه عبدی که عبادتش برای خدا مخلصانه و خالص است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۲)

عباد در قرآن اعم از مومن و کافر را دربر می‌گیرد. در تفاسیر، دو دیدگاه درباره مفهوم واژه «عباد» بیان شده است: ۱. عباد در خلقت اعم از مومن یا کافر و مصادیق آن می‌تواند سران کفر باشند که یهود را نابود می‌کنند. ۲. عباد در اطاعت و ایمان (عباد مخلص و خالص در دین). عده‌ای از مفسران با توجه به عبارت‌های «بَعَثْنَا» و «لَنَا» در «عِبَادًا لَنَا» عباد را مومن فرض کرده‌اند و برخی دیگر با توجه به عبارت‌های «أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» و «لِيُتَبَرَّوْا مَا عَلَوْا» عباد را کافر گرفته‌اند. بر این اساس به بررسی هریک از این واژگان می‌پردازیم.

۱. عباداً لنا

ابتدا برای درک ویژگی «عباداً لنا» به عنوان سرکوب‌کنندگان فتنه اول و دوم یهود، به بررسی مصادیق عباد از نظر مفسران پرداخته، سپس نظر قرآن را در این باره بیان می‌کنیم.

الف) «عباد» در نظر مفسران

منظور از عباد بندگان و مخلوقات هستند. (عباد در خلقت) (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۴ / ۲۶)؛ این دو مبعوث، پادشاهان کافر بوده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱ / ۲۱۶)؛ در مجمع البیان به نقل از جایی آمده است: به علت واژه «بعثنا» و «عباداً لنا»، سرکوب‌کنندگان، بندگان مؤمن بوده‌اند و به نقل از ابومسلم می‌نویسد: ممکن است افراد مبعوث شده، مؤمنانی بوده، یا کفاری بوده‌اند که یکی از پیغمبران با آنان ائتلاف کرده تا با این طایفه بجنگند و خداوند آنان را بر ایشان که مثل خود آنان کفار و فساق بودند مسلط ساخته باشد. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۶ / ۳۹۸) در تفسیر نمونه نظر جایی اختیار شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۱۳)

نظر علامه طباطبایی و جوادی آملی و نقد دیدگاه طبرسی

منظور از «عباداً لنا» عبد در خلقت (اعم از عباد مومن یا کافر) است. هیچ‌یک از دو دلیل صاحب مجمع دلالتی بر مؤمن بودن عباد ندارد. واژه «بعثنا»: استفاده از تعبیر «عباد» برای کفار - با توجه به اینکه کفار هم بندگان خداوند - و صفت «اولی باس شدید» یعنی قتل و تخریب و خشونت این گروه نشان می‌دهد که اگر برانگیختن کفار برای قلع و قمع کردن مفسدان از باب مجازات باشد، بعث الهی است و لازم نیست که مجازات همیشه به دست مؤمنان صورت گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۴۵) از این رو منظور از «عباد» به معنای عبد خاص فقهی نیست بلکه منظور عباد تکوینی خدا و مخلوقات الهی‌اند. در قرآن لفظ عباد برای مؤمن و کافر، به کار رفته است و این واژه بر خصوص مؤمنین اطلاق نشده است، و قرینه داخلی نیز مخالف مومن بودن عباد است. با استناد به «أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ»، «وَكَيْدُهُمْ أَكْبَرُ مِنْ دَابَّهِمْ» و «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَّمُوا تَتَّبِعُوا» قرینه داخلی آیه مخالف مومن بودن عباد است؛ زیرا با توجه به قرائن، عباد شورشیانی بوده که هردو بار که وارد مسجد شدند آن را ویران کرده و تورات را سوزاندند و همه آنچه که در آن کشور بود را تحت تبخیر و هلاکت، درآوردند. که این اعمال با عباد مومن ناسازگار است. (جوادی آملی، سایت اسراء)

نتیجه‌گیری علامه طباطبایی و جوادی آملی شاید ناشی از ملاک قرار دادن روایات و حوادث تاریخی باشد که اینگونه نتیجه شده که دو فساد ذکر شده در آیه، و سرکوب آن، در گذشته واقع گردیده است. در صورتی که ممکن است آیات مورد بررسی حاکی از حادثه‌ای متفاوت از وقایع تاریخی

باشد که در بیت‌المقدس اتفاق افتاده است. از این رو با مراجعه کامل به سیاق آیات و سپس تطبیق آن بر حوادث گذشته و روایات می‌توان این نتیجه‌گیری را نقد کرد. بر این پایه، برای درک بهتر به بررسی عبارت «عباداً لنا اُولی باسٍ شدیدٍ» و «لِیَتَّبِعُوا مَا عَلَّمُوا» در قرآن می‌پردازیم.

ب) بررسی «عباد یا عبد» در قرآن

در مبحث «عباداً لنا» دو نکته قابل تأمل است: ۱. ترکیب فنی واژه «عباداً لنا»؛ ۲. کاربرد قرآنی آن. برای درک بهتر مضمون آیات باید هم واژگان و هم کاربرد آن، به صورت اصولی مورد تحلیل قرآن به قرآن انجام شود. عباد می‌تواند اعم از مومن، مسلم منحرف یا عباد کافری باشد که سابقه اسلام ندارد. در آیات زیادی مانند آیه ۵۳ زمر، عبارت‌های «عبادی»، «عبادنا»، «عبادالله» آمده است که این عبارات مضاف و مضاف‌الیه بوده و اعم از کافر یا مسلمان است. موارد مذکور از نظر ادبی با آیه ۵ سوره اسراء متفاوت است. در این آیه «عباداً لنا» موصوف و صفت است و قیاس مضاف و مضاف‌الیه با موصوف و صفت نادرست است. در قرآن کاربرد لفظ «عباد» به صورت موصوف و صفت فقط ۴ بار آمده است و در همه این موارد عبد در عبادت مورد نظر آیات می‌باشد. به‌ویژه در آیه «لَنْ یَسْتَنْکِفَ الْمَسِیحُ اَنْ یَّکُونَ عَبِداً لِلّٰهِ وَلَا الْمَلَائِکَةُ الْمُقَرَّبُونَ...» (نساء / ۱۷۲)، «عبداً لله» شأن انبیا و ملائکه را بیان می‌کند. «عبداً لله» و «عباداً لنا» دارای مفهوم مشابه بوده و صفت «لنا» برای «عباد» اختصاص را می‌رساند و حتی مومن معمولی را شامل نمی‌شود و «عباد» - به صورت جمع - افاده عظمت می‌کند، یعنی عبادی که کارگزاران الهی هستند. پس سیاق، مقام مدح آنان را بیان می‌کند و به تعبیر علی کورانی منظور از «عباداً لنا» یعنی بندگانی که منسوب به ما هستند، را به سوی‌تان می‌فرستیم. (کورانی، ۱۳۶۹: ۴۶۴)

همچنین، برخی از مفسران منظور از عباد را با توجه به وصف «اولی باس شدید» کافر فرض کرده‌اند. از جمله علامه طباطبایی ویژگی «اولی باس شدید» عباد را با خونخواری، (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۵۲) و جوادی آملی آنان را با صفت شورش و متجاوز وصف کرده است. (جوادی آملی، سایت اسراء) جهت روشن شدن موضوع به بررسی لفظ «اُولی باسٍ شدیدٍ» در قرآن می‌پردازیم.

۲. بررسی «اُولی باسٍ شدیدٍ» در قرآن

«باس» در لغت به معنای عذاب، خوف و سختی جنگ است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۵۸) به صرف عبارت «اُولی باسٍ شدیدٍ» نمی‌توان این صفت را مختص کفار دانست. در قرآن صفت شدت به خرج دادن در مقابل دشمن، برای مومن و کافر آمده است. این عبارت در آیه ۳۳ نمل «قَالُوا نَحْنُ اَوْلُو قُوَّةٍ»

وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ» در وصف یاران ملکه سبا به معنای شهادت و شجاعت آمده است. بدین مضمون که: ناراحت مباش ما مردانی نیرومندیم و ارتشی قوی داریم، که از هیچ دشمنی نمی‌ترسیم. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۵۱۳) ظاهر آیه حاکی از این است که چون «أُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ» صفت مثبتی بوده، آنان این را به خود نسبت داده و خود را با ویژگی مثبت بی‌باکی در جنگ توصیف کرده‌اند و منظور خوی وحشی‌گری و خون‌خواری نبوده است. به تعبیر صاحب *الفرقان*، «عباداً لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» به سلسله عبادالله الصالحین و به مخلص‌ترین آنان اطلاق می‌گردد که شدت به خرج می‌دهند تا فساد جهانی را از بین ببرند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۷ / ۴۵ - ۳۵)

به‌علاوه در اینکه مومنان در پیکارهای خود شدت به خرج دهند، اشکالی نیست؛ چرا که خدا این صفت آنان را در قرآن ستوده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹) پس شدت به‌خرج دادن در پیکار منحصر به غیرمومنان نیست. به تعبیر علامه: تقیید «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» به «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بیانگر این است که مومنان نسبت به کفار شدت و بی‌رحمی دارند و نسبت به خود رحیمند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۴۴۶)

۳. بررسی «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَوْنَا تَتَّبِعُوا»

یکی دیگر از دلایلی که در تفاسیر برای اثبات کافر بودن عباد به آن استدلال می‌شود؛ عبارت «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَوْنَا» است. تتبیر از ماده «ت ب ر» به معنای شکست و نابودی و از بین بردن صولت و حدت است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸ / ۱۱۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱ / ۳۷۵) می‌توان باب تفعیل آن را برای بیان تکثیر گرفت؛ یعنی به هرچه غالب می‌شوند به‌طور کامل آن را نابود می‌کنند. (قرشی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۶۴) شاید توجه به باب تفعیل یکی از عللی باشد که تفاسیر «ما» در «مَا عَلَوْنَا» را به معنای «هر آنچه» گرفته‌اند.

بدین ترتیب که عباد هر کسی و هر چیزی را که بر آن دست یابند، هلاک کرده، خانه‌ها و شهرها را ویران سازند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۵۶) البته معنای دیگری نیز برای آن بیان شده که خوی تکبر و برتری جوئی یهود بر ملت‌ها راه، درهم می‌شکنند. (کورانی، ۱۳۶۹: ۴۶۳) به تصریح جوادی‌آملی، عباد با توجه به «أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» و «مَا عَلَوْنَا» معنا می‌شود. «مَا عَلَوْنَا» بیان‌کننده اینست که «أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» مستعلی و برتر شده، بر یهود مسلط می‌شوند و هر چیزی تحت به هلاک کشیدن «أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» درمی‌آید. وی با شاهد قرار دادن «لِيَسْءَوْا وَجُوهَكُمْ وَكَيْدُخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ»، عباد را خونریز و کافر معرفی کرده و می‌گوید افرادی که بر اسرائیلی‌ها

مسلط می‌شوند، وارد مسجد شده، آن را هتک می‌کنند. پس مومن بودن عباد مخالف ظاهر آیه است. از این رو عباد افراد صالحی نبودند و چنانچه حکومت عباد، حکومت الهی باشد و یا اگر بر امام عصر علیه السلام تطبیق شود آنها هرگز وارد حریم خصوصی نشده و مساجد و تورات را نمی‌سوزانند. پس نمی‌توان آیه را بر مقدسات دینی تطبیق و عباد را بندگان مومن فرض کرد. (جوادی‌آملی، سایت اسراء) پس از بیان نظر مفسران به بررسی این عبارت در قرآن می‌پردازیم.

بررسی «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلُوا» در قرآن

در این بررسی باید به همه جوانب قرآنی «عبادا لنا» و «ما علوا» دقت شود. با توجه به قرائن قرآنی «ما» در «ما علوا» مبهم بوده و سیاق آیات، محدوده آن را تعیین می‌کند. در آیه ۷ سوره حشر منظور از «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ» واجبات می‌باشد. در اینجا محدوده «ما» ضیق است؛ اما در آیه ۱۷۱ اعراف «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» دامنه «ما» سعه داشته و عموم واجبات و محرمات را شامل می‌شود. بر این اساس دامنه «ما» با توجه به سیاق تعیین می‌شود.

طبق قرآن ظلم از شاخصه‌های یهود است و صدر آیات مورد بررسی نیز فساد یهود را بیان می‌کند، و بر مبنای این قرینه، محدوده «ما» فساد و سرکشی است و می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که در آیه «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلُوا» منظور «ما علوا علیه من الفساد و العلو» باشد. پس طبق بررسی سیاق «ما» در قرآن، عباد هر آنچه از مظاهر فساد و سرکشی که یهود بر آن مسلط شده‌اند را تتبیر می‌کنند، نه هر آنچه که از خوب و بد، به آن دست یابند. بنابراین طبق این برداشت مومن بودن عباد منافاتی با «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلُوا» ندارد.

به علاوه «لِيَسْءَوْا وَجُوهَكُمْ وَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ...»، اشاره به این دارد که عباد ابتدا با تتبیر یهود صورت آنها را اندوهگین کرده سپس پیروزمندانه وارد مسجد می‌شوند و هیچ اشاره‌ای به نابودی و هتک مسجد و سوزاندن تورات‌ها ندارد.

۴. استدلالی دیگر بر مومن بودن عباد

در آیه ۵۱ و ۵۴ سوره مائده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ... مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ...^۱

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را

کلمه «ارتداد» از نظر لغوی (و یا از نظر تحلیلی) صادق بر دوستی با کفار است. چرا که قلبی که شیفته دشمنان خدا است ممکن نیست محبت خدا را در خود جای دهد و قرآن هم به این نکته اشاره می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵ / ۶۲۵)

بر پایه آیات ۵۴ مائده و ۲ اسراء^۱ مصداق ارتداد برای کسانی که از هدایتی که خدا برای آنان فرستاده پیروی نکنند و غیرخدا را وکیل خود قرار دهند، صادق است و خداوند وعده داده است که گروهی دیگر را جایگزین آنان می‌کند. چون طبق آیه «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ»، یهود شبیه شما مرتدین و شما شبیه آنها هستید و قطعاً سرنوشتی مشابه یکدیگر نیز خواهید داشت. پس اگر وعده فرموده است که در صورت ارتداد، گروهی را جایگزین مرتدین می‌کند قطعاً یهود هم سرنوشتی شبیه مرتدین داشته و خداوند نیز گروهی را جایگزین یهود می‌کند و این گروه جایگزین شونده مشخصات بندگان مومن را دارند که «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» بنابراین «عباد» در آیه ۵ اسراء قطعاً بندگان مومن هستند که یهود مفسد را سرکوب خواهد کرد و جایگزین آنان در بیت المقدس خواهند شد.

همچنین، صفاتی که برای عباد و ویژگی‌های جنگِ آنان با یهودیان، در آیه یاد شده، جز بر مسلمانان تطبیق نمی‌کند. پس پادشاهان مصر، بابل، یونان، ایران، روم و دیگران که در طول تاریخ بر یهودیان تسلط یافتند، هیچکدام با صفت «عبادا لنا» که در قرآن آمده، سازگاری ندارند. (کورانی، ۱۳۶۹: ۴۶۴) همانطور که اشاره شد صاحب *الفرقان* تعابیری متفاوت از «عبادا لنا» بیان می‌کند که: «عبادا لنا ما هستیم و هر مسلمان غیور آزاده‌ای که به ما ملحق شود و ما را اجابت کند. تعبیر «عبادا لنا» مخصوص بندگان است که عبادتشان برای خداست مثل ائمه علیهم‌السلام، اما اختصاص به ائمه ندارد». وی با انتقاد از نظر بعضی مفسران می‌نویسد: حال آیا «عبادا لنا» بخت النصر بت‌پرست است یا بهترین بندگان صالح خداوند؟ (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۷ / ۴۵ - ۳۵)

از این رو برای تبیین ویژگی چهارم و مومن بودن عباد، از بررسی فنی واژه «عبادا لنا» و کاربرد قرآنی آن نتیجه می‌شود: این آیات در مدح عباد است و منظور از «عباد»، عبد در عبادت است و سرکوب کننده هر دو فتنه مومن مخلص هستند.

دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست.

۱. وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا.

بنابر نتایج به‌دست آمده، چهار ویژگی استخراج شده از دو حادثه بدین ترتیب است: ۱. فتنه‌گر بودن یهود (بنی‌اسرائیل) ۲. جهانی بودن فتنه یهود (کل الارض) ۳. مسجدالاقصی و فلسطین مرکز فتنه یهود (لیدخلوا المسجد) ۴. بندگان مومن و مخلص سرکوب‌کننده هر دو فتنه یهود (عبادا لنا). (نقی‌پورفر، ۱۳۷۷: ۱۹۰)

تطبیق چهار ویژگی بر مصادیق بیان شده در تفاسیر

با توجه به این چهار ویژگی حوادث مطرح شده به عنوان وعده اول و آخر در تفاسیر را بررسی می‌نماییم. در صورتی می‌توان پذیرفت این وقایع، از مصادیق آیه هستند که منطبق بر این چهار ویژگی باشند. در بین وقایع قبل از اسلام دو حادثه بیشتر از دیگر حوادث در تفاسیر مطرح شده است.

الف) در حادثه بخت‌النصر، سرکوب‌کننده مومن نبوده و فتنه نیز جهانی نیست. در وعده داده شده نیز یهود بر باطل می‌باشد، درحالی‌که در تهاجم بخت‌النصر دین یهود برحق بود و مقابل بخت‌النصر بت‌پرست شورش کرده است. (چون این واقعه قبل از میلاد مسیح است). (نقی‌پورفر، ۱۳۷۷: ۱۹۱)

ب) در حادثه تریانوس یا طیطوس رومی: فتنه در محدوده فلسطین اتفاق افتاده، و جهانی نمی‌باشد. سرکوب‌کننده (امپراتوری روم) بت‌پرست است و چون شورش یهود در سال ۷۰ میلادی است، یهود نیز مفسد و بر باطل هستند، چراکه این واقعه بعد از میلاد اتفاق افتاده و یهود که دین مسیح را نپذیرفته‌اند، مفسدند. پس در این واقعه دو مفسد با هم درگیر شده‌اند. (نقی‌پورفر، ۱۳۷۷: ۱۹۱)

بدین ترتیب دو حادثه قبل از اسلام - به عنوان مصادیق عبادالنا - بدین طریق رد شد. در دوره بعد از ظهور اسلام موارد ذیل مطرح می‌شود:

الف) جنگ‌های پیامبر با یهود صدر اسلام: نه فتنه یهود جهانی بوده و نه مرکز فتنه بیت‌المقدس، بلکه مرکز فتنه یهود مدینه بوده است.

ب) جنگ‌های صلیبی، جهانی است و مرکز آن فلسطین است اما سرکوب‌کننده مسیحی است و در این سرکوبی هم یهودی‌ها و هم مسلمانان کشته شدند.

ج) جنگ جهانی دوم: هیتلر افراد زیادی از جمله یهود را از بین برد. سرکوب‌کننده فتنه مومن نیست و مرکز فتنه نیز مسجدالاقصی نبوده است. افزون بر این فتنه یهود جهانی نبوده بلکه جنگ، جهانی بوده است.

ه) سرکوبی اسرائیل توسط مسلمان و بیرون راندن آنها از بخشی از سرزمین‌های اشغالی در وعده اول: (انصاری زنجانی، ۱۳۵۰: ۴۷) در پی تأسیس کشور اسرائیل، ارتش‌های مصر، سوریه،

اردن، لبنان و عراق به هم ملحق شده و جنگی مشترک علیه اسرائیل آغاز شد که اسرائیل موفق به عقب راندن نیروهای اردنی و مصری گردید. در ژوئن ۱۹۴۸ م آتش‌بسی برقرار گردید و در مدت آتش‌بس، نیروی‌های رزمی اسرائیل شکل گرفت. آتش‌بس دیگری در سال ۱۹۴۹ م برقرار شد و به این ترتیب اسرائیل توانست ۲۶٪ دیگر از غرب رودخانه اردن را تصرف کند.^۱ بنابراین مشاهده می‌شود مسلمانان به‌طور کامل بر اسرائیل فائق نگردیده و بیرون راندن اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی نیز به صورت موقت بوده است. افزون بر این نظر انصاری زنجانی با قرینه داخلی آیه مبنی بر جستجوی خانه به خانه توسط عباد منطبق نیست.

(و) حادثه ۱۹۴۸ م و تشکیل اسرائیل: مرکز فتنه فلسطین؛ فتنه‌گر یهود؛ فتنه جهانی (۵ ابر قدرت شرق و غرب اعم از سرمایه‌داری و کمونیستی در مقابل مسلمانان در سازمان ملل اسرائیل را تأیید کردند و این نشان می‌دهد که ابر قدرت‌ها در طرح خود برای حذف اسلام نقشه کشیده و به رهبری یهود فتنه‌ای جهانی برپا کردند)

مصادیق مطرح شده در تفاسیر	۱. فتنه جهانی	۲. فتنه‌گر یهود	۳. مرکز فتنه فلسطین	۴. بندگان مومن، سرکوب کننده یهود
بخت النصر		*	*	یهود در مقابل مشرک بت پرست
سردار رومی		*	*	
جنگ‌های پیامبر با یهود		*		*
سرکوبی‌های پراکنده اسرائیل توسط اعراب مسلمانان	*	*	*	مسلمانان به‌طور کامل بر اسرائیل فائق نگردیدند و بیرون راندن اسرائیل از بخشی از سرزمین‌های اشغالی نیز به صورت موقت بود.
جنگ‌های صلیبی	*	در این سرکوبی هم یهود و هم مسلمانان کشته شدند	*	سرکوب کننده مسیحی
هیتلر				جنگ، جهانی بود نه فتنه یهود
۱۹۴۸ تشکیل اسرائیل	*	*	*	سرکوب کننده غیر مومن
			

باتوجه به عدم انطباق ویژگی‌های دریافت شده از آیات با مصادیق ۱ تا ۶ و با توجه به اینکه سرکوبی در وعده‌الآخره سرکوبی نهایی یهود است، وقوع دو وعده در قبل و بعد از اسلام تا زمان حال منتفی است.

1. <http://www.jewfaq.org/populatn.htm>

استدلالی دیگر بر عدم وقوع دو فتنه در گذشته

۱. مفهوم «کل الارض» همراه با «مرتین» قرینه‌ای است برای تعیین زمان وقوع فساد. با عنایت به تأکید قرآن بر دو بار فساد، اگر معتقد باشیم که فساد در گذشته اتفاق افتاده است، تکلیف فساد جهانی و گسترده فعلی یهود چه می‌شود؟ در اینجا دو نکته مطرح است. الف) فساد گسترده یهود (کل الارض)؛ ب) دوبار فساد (مرتین).

صد سال پیش، که تشکیل اسرائیل و فساد جهانی فعلی یهود اتفاق نیفتاده بود و یهودیان جمعیت‌های پراکنده‌ای در سراسر دنیا بودند، تصور فساد و تجاوز گسترده به صورت امروزه از یهود دور از ذهن به نظر می‌رسید. (شاید به همین دلیل مفسران قرون گذشته فساد بنی‌اسرائیل را به زمان رومیان و بابلیان نسبت داده‌اند.) اما نسل امروز شاهد فساد جهانی یهود است و طبق آیه ۶۴ مائده، انتظار می‌رود فساد و علو فعلی بنی‌اسرائیل، یک سرکوبی در آینده به دنبال داشته باشد، که در نتیجه این سرکوبی سوم خواهد بود که با مرتین ناسازگار است؛ پس سرکوبی فساد یهود به آن ترتیب که در آیه وعده داده شد، هنوز محقق نشده است و با توجه به جمعیت محدود یهود در زمان بخت‌النصر، فساد آنان قطعاً ناچیزتر از فساد فعلی یهود است؛ چون یهود زمان بخت‌النصر در مقابل امپراطوری بزرگی مانند ایران و روم آنقدر ناچیز و پراکنده بودند که انجام فساد جهانی از سوی آنان دور از تصور است.

۲. حمد الفتلاوی در یک جمع‌بندی از این آیات این‌گونه بیان می‌کند:

یکم. برجسته‌سازی این دو فساد، تاکیدی است بر اینکه این دو بزرگترین و مهم‌ترین فسادهای یهود در تاریخ است.

دوم. عقوبت فساد دوم به عنوان آخرین مجازات یهود که نابودگر موجودیت اجتماعی آنهاست مطرح شده که به یقین تا امروز تحقق نیافته است و گرنه روزگار ما شاهد موجودیت قدرتمند و تبهکار اسرائیل نبود.

سوم. نبردهای عقوبت بنی اسرائیل در هر دو مرحله داخل سرزمین مقدس یعنی فلسطین خواهد بود. چهارم) قرآن یهود را عامل گسترش فساد در زمین می‌داند و بر طبق روایات تنها کسی که زمین را همانگونه که از فساد و ستم پر شده، از عدل و انصاف پر خواهد کرد، امام مهدی عج خواهد بود. با تطبیق این مفاهیم بر تاریخ بنی‌اسرائیل مشاهده می‌شود که در هیچ دوره‌ای از تاریخ آنها تا به امروز، فساد و نبردهایی با این ویژگی‌های پنجگانه واقع نشده است. (حمد الفتلاوی، ۱۳۸۵: ۲۰۶ - ۱۹۵)

«عبادا لنا» پیروان اهل بیت علیهم‌السلام

در منطق دین، اعتقادی مورد تایید است که مبتنی بر تقلین؛ یعنی قرآن و عترت باشد. بر همین

اساس حال که اثبات شد وقوع دو فتنه قبل از اسلام واقع نشده و مربوط به بعد از ظهور اسلام است می‌توان ادعا کرد که «عبادا لنا» پیروان اهل بیت علیهم‌السلام هستند.
با توجه به فساد جهانی یهود در حال حاضر و عدم سرکوبی آنان تاکنون - به شکلی که منطبق بر مفاد آیات باشد - می‌توان گفت که در حال حاضر درون فتنه اول قرار داریم. در این صورت طبق وعده خداوند باید منتظر «انبعاث عباد» باشیم؛ چرا که پاسخ فتنه توسط «عبادا لنا» حتمی است. پس نابودی فتنه فعلی یهود و اسرائیل که فتنه اول است به دست عباد مومن و شیعه و پیروان اهل بیت مورد انتظار است و روایات نیز این را تایید می‌کنند.

روایات درباره ارتباط آیات سوره اسراء با مهدویت

دیدگاه اهل سنت: طبق روایتی در متون تفسیری و جوامع روایی تحت عنوان «ابواب فی اخبار المهدی علیه‌السلام» از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: هنگامی که، خداوند یکی از رومیان را به کیفردهی بنی اسرائیل فرستاد او نیز بیت المقدس را سوزاند و زیورآلات آن را برداشت. این زیورها بعداً توسط حضرت مهدی علیه‌السلام به بیت المقدس برگردانده می‌شود. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۸؛ هدایتی، ۱۳۹۲: ۱۰۳)

دیدگاه شیعه: در تفسیر عیاشی آمده است، امام صادق علیه‌السلام آیه «بعثنا علیکم عبادنا اولی باس شدید» را تلاوت کرده سپس فرمود: امام مهدی علیه‌السلام و اصحاب ایشان «اولی باس شدید» هستند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۸۱) نیز امام صادق علیه‌السلام این آیه را تلاوت کرده و فرمود: خداوند قبل از خروج امام مهدی علیه‌السلام قومی را برمی‌انگیزد که آنان هر کسی را که نسبت به خاندان پیامبر جنایتی کرده است به سزای عملش می‌رسانند. (کلینی، ۱۳۶۳: ۸ / ۲۰۶) در روایت دیگری اصحاب امام صادق علیه‌السلام از ایشان پرسیدند: یارانی که خداوند ایشان را مبعوث می‌کند چه کسانی هستند؟ حضرت سه بار فرمود: هم والله اهل قم. (مجلسی، بی تا: ۵۷ / ۲۱۶)

قبل از این ثابت شد که «عباد» پیروان اهل بیت و شیعه هستند. از جمع این استدلال و روایات نتیجه می‌شود که عباد، سپاه حضرت مهدی علیه‌السلام، شیعه، اهل ایران و قم هستند و در نهایت با رهبری مستقیم حضرت کار یهود خاتمه می‌یابد.

وَعْدُ الْأَخْرَةِ وَ ارْتِبَاطُ سِرْكَوبِي أَيْنَ فِتْنَةٍ بِظَهْوَرِ

صاحب *التحریر* آورده است خداوند وعده داده است بعد از وعده اولی یهود را به رحمت خودش برمی‌گرداند و در مرة الاخرة یهود به خاطر فسادشان به دست رومیان از بین می‌رود. (ابن عاشور، بی تا:

۱۴ / ۳۱) وی «وعد الاخرة» را به عنوان فساد نهایی و از بین رفتن یهود، تفسیر کرده که این سرکوبی توسط رومیان صورت گرفته است. درست است که «وعد الاخرة» اشاره به فتنه نهایی یهود دارد، اما ابن عاشور در تشخیص مصداق سرکوب کننده آن دچار اشتباه شده است. با توجه به ادامه حیات یهود بعد از سرکوبی توسط رومیان، سرکوبی نهایی نمی‌توان به دست رومیان باشد.

«وعد الاخرة» در آیه ۷ اسراء، بیان می‌کند که بعد از این وعده و سرکوبی به دست عبادا لنا، یهود برای همیشه ریشه کن خواهد شد. طبق آیه ۶۴ مائده^۱ فتنه یهود تا قیامت ادامه داشته، که این آیه با آیه ۵۵ سوره نور^۲ مقید می‌شود. طبق این آیه بعد از اینکه خداوند حکومت صالحان و دین مورد رضای خود را مستقر می‌نماید، هیچ مشرکی وجود نداشته و همه مومن بوده و فقط خدا را عبادت می‌کنند؛ در غیر این صورت کشته می‌شوند و راه سومی وجود نخواهد داشت مشخصات قیام مهدوی. با عنایت به این دو آیه و آیه ۷ اسراء («وعد الاخرة» به عنوان فتنه نهایی یهود) این فتنه و سرکوبی آن متصل به ظهور است و در واقعه ظهور یهود ریشه کن خواهد شد، چراکه در حکومت امام زمان علیه السلام مشرک، منافق و هیچ فرقه‌ای، غیر از مسلمانی جایگاهی ندارد. براساس جستجوی خانه‌به‌خانه در «وعد الاولی»، اسرائیل باید قبل از ظهور [وعد الاخرة] سرکوب شود. از این رو تا اسرائیل بر فلسطین تسلط دارد، راه ظهور بسته خواهد بود؛ به عبارتی تسلط بر اسرائیل در وعده اول، مقدمه ظهور است.

نتیجه

از بررسی قرآنی عبارات‌ها و واژگان موجود در آیات ۸ - ۴ سوره اسراء نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱. منظور از «عبادا لنا» بندگانی مومن و مخلص و در خدمت دین بوده و این لفظ، مدح بندگانی را بیان می‌کند که سرکوب کننده یهود مفسد و طغیانگر می‌باشند.
۲. خطاب قرار دادن «بنی اسرائیل» در آیه ۴ نشانگر این است که منظور از فسادگر و سرکوب‌شونده قوم یهود است.
۳. با توجه به لفظ «فی الارض» و عنایت به تأکیدهای مکرر که در این آیات آمده است و بررسی

۱. وَالْقِيَامَةَ بَيْنَهُمُ الْعُدَاوَةَ وَالْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ.

۲. وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

فسادهای یهود از نظر کمی و کیفی مشخص می‌شود فساد مورد نظر در این آیات گستره جهانی دارد. ۴. با توجه به واژه «مسجد الاقصی» مرکز فتنه یهود، سرزمین فلسطین و بیت المقدس است که یهود، با اشغال این سرزمین مقدس، در آنجا فتنه انگیزی می‌کند. با تطبیق این ویژگی‌ها بر مصادیق بیان شده در تفاسیر، نظر برخی مفسران، مبنی بر اینکه فساد و سرکوبی مطرح شده در آیات مربوط به قبل از ظهور اسلام است، رد می‌شود و تنها نظری قوت می‌گیرد، که سرکوبی فتنه یهود در بعد از اسلام و در آخرالزمان توسط بندگان مخلص را مطرح می‌کند و با توجه به اینکه تا حال هیچ فساد و سرکوبی با چنین ویژگی‌هایی واقع نشده است، بنابراین هر دو وعده مطرح شده در آیه هنوز به وقوع نپیوسته است و با عنایت به تأکید خداوند بر نهایی بودن سرکوبی یهود در «وعداالخره» می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که سرکوبی در وعده آخر مربوط به آخرالزمان و دوران ظهور است که بساط یهود برچیده خواهد شد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ۱۳۷۳، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، دار القرآن الکریم.
- کتاب مقدس، ۱۳۸۴، انجمن پخش کتاب مقدس، نشر ایلام.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۰ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- احمد الحسن، ۱۴۳۱ ق، المتشابهات، بی جا، نشر انصار المهدی ﷺ.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جنابذی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- جوادی آملی، سایت اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ ق، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایینة.
- حمد الفتلاوی، مهدی، ۱۳۸۵، سقوط اسرائیل، ترجمه محمد باقر ذوالقدر، قم، بوستان کتاب.

- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیة.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره، دار الشروق.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، *کتاب التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ۱۳۸۳، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- کورانی، علی، ۱۳۶۹، *عصر ظهور*، ترجمه عباس جلالی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، بی تا، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- مشهدی قمی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الفرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، ترجمه و نشر کتاب.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، *الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- نجاشی، احمد، ۱۴۱۶ ق، *رجال نجاشی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- نقی پورفر، ولی‌الله، ۱۳۷۷، *اهل بیت* در قرآن، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- همایون، محمدهادی، ۱۳۹۰، *تاریخ تمدن و ملک مهدوی*، تهران، دانشگاه امام صادق و پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب) مقاله‌ها

- انصاری زنجانی، ابراهیم، ۱۳۵۰، «پیشگویی قرآن از شکست نهایی اسرائیل»، *مجله مکتب اسلام*، سال ۱۳، ش ۱، ص ۴۸-۴۷، قم، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق.
- احوارکی، امیر «دو عقوبت یهود در سوره اسراء»؛ سایت:
<http://jscenter.ir/judaism-and-islam>.
- شریف، علیرضا، ۱۳۹۵، «وعده قرآنی نابودی صهیونیسم در آخرالزمان»، *مطالعات مسجد و مهدویت*، ش ۲، ص ۱۵۲-۱۱۷، قم، مسجد جمکران.
- کهنمویی، علیرضا، ۱۳۹۸، «بررسی تفسیری واژه‌ها و تعبیرهای مهم آیات وعید بنی‌اسرائیل در سوره اسراء» *مطالعات تفسیری*، ش ۳۸، ص ۲۲۰-۲۰۳، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- هدایتی، محمد، ۱۳۹۲، «مهدویت در تفسیر آیات اسراء»، *مطالعات تفسیری*، ش ۱۳، ص ۱۱۰-۹۳، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- "Time Series - Databank". Israel Centerai Bureau of Statistics.
- <http://www.jewfaq.org/populatn.htm>

